



## تجاوز فرهنگی یا تهاجم فرهنگی

تعریف تجاوز: دست درازی، دست اندازی، حد شکنی، مرز شکنی، تخطی کردن، ...

تعریف تهاجم: تاخت، تعرض، حمله، هجوم، یورش، حمله کردن، هجوم بردن، ...

تفاوت بین تجاوز و تهاجم:

تجاوز بصورت عموم بسیار خشن، ظالمانه و غیر عادلانه و...، صورت می گیرد که بصورت کل خلاف تمام ارزش ها و خواسته ها و عقاید و باور های طرف مقابل می باشد.

و اما تهاجم، یا همانا هجوم بردن و یا هم هجوم آوردن است که می تواند خشن و بی باکانه باشد و یا هم تهاجم ملایم و غیر ملموس و بسیار مودبانه و رزیلانه و...، تهاجم می تواند وسیع و سرتاسری و پُر شتاب و سریع صورت گیرد و یا هم کند و آهسته و قدم به قدم و بسیار محیلانه و ویرانگر و... و اما در مسائل و قضایای فرهنگی و زبانی و دینی و مذهبی، تجاوز همه را از پایبست ویران و نابود میکند؛ اما تهاجم، دیوار استوار و مستحکم فرهنگ و هنر و زبان و دین و مذهب را چون موریانه از تهداب می خورد و چنان آنرا ویران میکند که دیگر اثری از آنها باقی نماند و... در یک کلام، تجاوز با شمشیر می کشد و تهاجم با پنبه حلال میکند.

تجاوز بصورت عموم عریان بوده و تهاجم همیشه پوشیده و پنهان عمل میکند.

در مقابل تجاوز، از هرگونه که باشد، می شود در برابر آن مقاومت کرد، اما تهاجم را تا متوجه شویم، دیوار را چنان از پایبست ویران نموده است که حتی نمی شود از تهداب سنگی و مستحکم آن نیز استفاده نمود و "عالمی از نو بیاید ساخت و از نو آدمی".

پس به این نتیجه میرسیم که تهاجم بسیار بدتر از تجاوز است، بخصوص آنکه تهاجم فرهنگی و زبانی و یا دینی و مذهبی باشد.

این گونه تهاجمات، کشور ها را به نابودی و انسانها را به انقراض میکشاند.

پس به این نتیجه منطقی می توان رسید که تهاجمات، بخصوص تهاجمات پنهان و پیدای فرهنگی و زبانی، خیلی ها زیانبارتر از تجاوز عریان نظامی عمل کرده و اثرات عمیق و غیر قابل تغییر در یک اجتماع و یک کشور و یک منطقه از خود بجا میگذارد که در درازمدت، کشوری را به اضمحلال و نابودی کشانیده و مردمی را از همه داشته های فرهنگی و زبانی شان برای ابد محروم و معرا و تهی می سازد.

تهاجمات فرهنگی همیشه و بصورت پیدا و پنهان در روی کره ارض، با انواع و اقسام و اشکال مختلف و متفاوت می تواند در جریان باشد، اما تجاوز فرهنگی وجود خارجی ندارد و نمی شود با یک کارتن و یک صندوق و یک لاری و یک کشتی کتاب و...، به سرزمین های بیگانه، تجاوز کرد؛ بلکه بصورت بسیار گند و بطنی و آهسته و قدم به قدم، کشوری را می شود بدون آنکه مردم و اتباع آن آگاه شوند و راه و چاره بیندیشند، مورد تهاجم فرهنگی متواتر قرار داد و در نتیجه آن کشور و آن مردم و آن خطه و آن مرزوبوم را به نابودی کشاند، بدون آنکه حتی یک گلوله فیر شده باشد. پس می توان گفت و ادعا نمود که تهاجم فرهنگی همیشه و در همه حال در جریان است و از هر کنج و کناری وارد هر سرزمینی می تواند شود، اما "تجاوز فرهنگی" وجود خارجی ندارد و کاملاً یک سخن و یک ادعای بیهوده است.

ما در گذشته های نه چندان دور در کشور خود، شاهد تهاجمات بدون وقفه فرهنگی بوده ایم و هستیم هنوز. آخذ های جمهوری اسلامی ایران از خیر پول های سرشار نفتی، این گونه تهاجمات را در اقصی نقاط جهان و بخصوص کشور جنگزده ما به وفرط انجام داده و میدهند هنوز.

واضح و مبرهن است که تجاوزگران خارجی از هر نوع و جنس و ملیت و دین و مذهب که باشند، در تجاوز به کشورهای دیگر، بخواهی نخواهی، فرهنگ و زبان خود را نیز باخود برده و در سرزمین های تحت تجاوز پیاده می کنند و نهایت تلاش بخرج میدهند که از طرق مختلف به این عمل سخیف مبادرت ورزند، اما کشور های تحت تجاوز قرار گرفته، در آن حالت و آن شرایط با تمام قوت و درایت و تلاش و دادن قربانی های فراوان؛ جلو تهاجمات فرهنگی، زبانی و دینی و مذهبی و...، آنان را میگیرند و در مقابل آن مبارزه و مقاومت میکنند.

و اما، تجاوز فرهنگی را من هیچ مدان نمی دانم و قادر به درک آن نیستم که چگونه باید صورت گیرد و معنی و مفهوم حقیقی و قبول شده آن چه است.

آیا این "تجاوز فرهنگی" به زور سرنیزه و تیر و تلوار و تبر و تفنگ و توپ صورت پذیر می شود؟!

اگر نه چنان است، پس سخن گفتن از "تجاوز فرهنگی" خطا است و این همان تهاجم فرهنگی است که به هیچ توپ و تانک و تیر و تلوار ضرورت ندارد، فقط کافی است مردم زودباور و سطحی نگری باشیم.

و اما در مورد اینکه آیا "فرهنگ پدیده متجاوز" است و...، باید متذکر شد اینکه "فرهنگ" به ذات خود نمی تواند متجاوز و یا هم مهاجم باشد. این افراد و اشخاص و گروپ ها و سازمانها و... هستند که مبادرت به چنین بدعت ها نموده و در نتیجه یک زبان و یک فرهنگ را، چه خودی باشد و چه بیگانه، به گند کشانیده و در فرجام به نابودی می کشانند.

البته و صد البته که زبانها در طول تاریخ داد و گرفت هائی باهم دارند و این یک امر پذیرفته شده است و هیچ زبانی به تنهایی خود قادر به زنده مانی و تکامل بوده نمی تواند و لاجرم شاید و باید باهم در داد و گرفت های قبول شده و پذیرفته شده باشند که به زبان اصلی و بومی زیانی نرساند. اما اگر چنین داد و گرفت ها به منظور های خاصی صورت پذیرفته و اهداف خاصی را دنبال نمایند، صد البته که باید از آن جلوگیری بعمل آید. در آنصورت زبان و فرهنگ می شود مهاجم، اما نه تجاوزگر که از هجوم آن باید با قاطعیت جلوگیری بعمل آید.

در این مختصر اشاره مختصری میکنیم بر لغات و اصطلاحات صادراتی آخندی جمهوری اسلامی ایران و تهاجم فرهنگی شتابزده آنان بر زبان و فرهنگ بومی افغانستان.

### **"تهاجم فرهنگی ایران به افغانستان"**

وزیر اطلاعات و فرهنگ افغانستان، ایران را متهم به ارسال یک کانتینر کتاب بر «ضد ملیت» قوم پشتون در افغانستان» کرد.

به گزارش العربیه به نقل از خبرگزاری صدای افغان، عبدالکریم خرم که در جلسه مشورتی با کمیسیون دینی و فرهنگی مجلس سنا افغانستان شرکت کرده بود گفت: یک کانتینر کتاب را که بر ضد ملیت پشتون منتشر شده بوده و به قصد دامن زدن به اختلافات میان مذاهب شیعه و سنی وارد افغانستان گردیده بود، در ولایت نیمروز ضبط گردیده است.

وی افزود: هیاتی برای تحقیق در مورد کتاب های مذکور به نیمروز اعزام کرده تا پس از تحقیق، آن کتاب ها را به کابل انتقال دهند.

در همین حال سفارت ایران در کابل به رسانه ها اعلام کرده است که کتاب های ضبط شده غیر مذهبی مذکور، مربوط به کشور ایران نبوده و کار دشمنان ایران و افغانستان می باشد که می خواهند بین دو ملت تفرقه بیاندازند.

وزیر اطلاعات و فرهنگ افغانستان پس از طرح این ادعا همچنین با اشاره به دریافت تلویزیون ایران در افغانستان گفت که کارشناسان وزارت اطلاعات و فرهنگ تایید کرده اند برنامه های تلویزیونی جمهوری اسلامی ایران در ولایت نیمروز قابل دریافت است؛ موضوعی که برخی رسانه های افغان با اشاره به آن مدعی تهاجم فرهنگی ایران به افغانستان هستند.

محمد انور مرادی سناتور ولایت نیمروز و عضو کمیسیون دینی و فرهنگی مجلس سنای افغانستان نیز با بیان اینکه این کتاب ها از سوی کشور ایران و جهت دامن زدن به تعصبات قومی و مذهبی وارد کشور شده است خواستار اقدام جدی و عاجل وزارت اطلاعات و فرهنگ در این زمینه شد. بنا بر گفته مرادی، دولت جمهوری اسلامی ایران با نصب آنتن های قوی ماهواره ای در مرز با افغانستان می خواهد با پخش برنامه های تلویزیونی، فرهنگ این کشور را در افغانستان ترویج نماید. وی افزود: به گفته مهندسان، چون آنتن های ولایت نیمروز ضعیف است، به همین دلیل مردم از برنامه های تلویزیون های ایرانی استفاده می کنند."

انجنیر عبدالصبور صافی طی یک نوشته مفصل و مستدل در این مورد چنین می نویسد: "... اساساً "تهاجم فرهنگی" در مقایسه با تهاجم نظامی یا اقتصادی، دارای ویژگی های (خصوصیات) خاص خود است، "تهاجم فرهنگی" معمولاً نامرئی و نامحسوس است؛ دراز مدت و دیرپاست؛ ریشه آن عمیق و همه جانبه است؛ حساب شده و دارای برنامه و ابزارهای گسترده و فراگیر است؛ کارساز و خطرناک است. علاوه بر این ها، "تهاجم فرهنگی" همانند کار فرهنگی، یک کار آرام و بی سر و صداست و قربانیان آن بیشتر قشر جوان یک جامعه میباشند..."

از این نوع گزارشات، نوشته ها، مقالات و اخبار و تفصیل در گوگل بسیار موجود اند که هر هموطنی که خواسته باشد، می تواند مطالب مختلف و متنوع را از زوایای متفاوت به دست آورده و مطالعه نماید.

در این مختصر اما یک تعداد از لغات و اصطلاحات نامأنوس صادر شده از جمهوری اسلامی ایران به افغانستان را نشانی میکنیم که شامل تهاجم فرهنگی و زبانی می شوند.

۱- پرونده/دوسیه، ۲- ویژه/بخصوص، ۳- ژست/ادا-حرکات، ۴- دوجین/درجن، ۵- دادگاه/محکمه، ۶- نخست وزیر/صدراعظم، ۷- خودرو/موتز- وسیله نقلیه، ۸- پهپاد/ طیاره بدون سرنشین- درون، ۱۰- ...

از این گونه لغات نامأنوس و غیر متداول در افغانستان، فراوان می توان یافت که در نوشته ها، ترجمه ها و...، یک تعداد از افغانها گاه گاهی مورد استفاده قرار میگیرند که خود یک خیانت است

به زبان و فرهنگ غنی افغانستان. از سوی دیگر پاکستانی ها هم آرام نه نشسته اند و لغات و اطلاعات مروج در پاکستان را به کشور ما به گونه های مختلف صادر کرده و میکنند هنوز که از بارزترین آنها می توان از "ولس مشر/ جمهور رئیس" و نیز "ناسته/ مترادف نشست" که هر دو در زبانها و فرهنگ افغانستان نامأنوس هستند. از این گونه اصطلاحات وارد شده از پاکستان نیز در زبان پشتو، فراوان وجود دارند که باید جلو آنها گرفته شود.

پس نتیجه می توان گرفت که اصطلاح "تجاوز فرهنگی"، یک اصطلاح بی معنی و بی مفهوم است و نمی تواند وجود خارجی داشته باشد.

هر افغان واقعی و دوستدار و حامی زبان های ملی و فرهنگ ملی افغانستان در هر کجای دنیا که زندگی دارد و به داشته های ملی زبان، فرهنگی، دینی و مذهبی و مروج در کشور خود پایبند بوده و به آنها احترام میگذارد، باید اصلاح را از خود شروع کند. هیچ بهانه و استدلال و اما و مگر در زمینه قابل قبول نیست.

دیده می شود که یک مشت افراد اجیر و فروخته شده در نوشته ها و حتی "ترجمه" های دزدیده شده از منابع خارجی، به وفراط از لغات و اصطلاحات نامأنوس صادر شده از جمهوری اسلامی ایران استفاده میکنند و حتی نام ماه های عیسوی را به جای "جون" و "جولای" و....، را "ژوئن" و "ژوئیه" و... می نویسند، چون همان گونه از نوشته های ایرانی ها کاپی نموده و به نام خود منتشر می کنند و حتی همین زحمت را هم به خود نمی دهند که آن اصطلاحات فارسی ایران را اصلاح نمایند.

بگفته مشهور وطنی ما " اگر این مکتب است و این ملا، حال طفلان خراب می بینم".

من آنچه شرط بلاغ است با تو می گویم

تو خواه از سخنم پند گیر و خواه ملال

نصیحت همه عالم چو باد در قفس است

به گوش مردم نادان، چو آب در غربال

"حافظ شیرازی"